گفت‌وگو با سعید ولی‌زاده، بازیگر، نویسنده، کارگردان و تهیه کننده مشهدی

فیلم‌سازی در مشهد جاده یک طرفه است

گفت‌و گوی روز

الهام ظریفیان| سعید ولی‌زاده کار هنری جدی را از دوره دانشجویی با بازی در سریال «قدرت» در سال ۱۳۸۲ (پخش از شبکه ۲) شروع کرد. پیش از آن و در دوره دانش‌آموزی از طریق بازیگری با تئاتر آشنا شده بود، اما در ادامه، دیگر عرصه‌های فیلم و سینما مانند منشیگری، دستیاری و مدیریت صحنه، مدیریت تولید، تهیه‌کنندگی، بازی‌گردانی، ساخت مستند، دستیاری کارگردان، گویندگی، مجریگری، نویسندگی و کارگردانی را نیز تجربه کرد. او در مدت بیش از بیست سال حضور در عرصه تئاتر، تلویزیون و سینما در آثار زیادی مانند تله‌فیلم‌های «مسیر روشن»، «کبوتر با کبوتر»، «کاوشگران» و «مسافر شب» و فیلم‌های سینمایی مانند «آسمان هشتم» و «به‌کبودی یاس» بازی کرده است. او همچنین کارگردانی بیش از ۳۰ فیلم‌کوتاه، ۱۰ مجموعه مستند و ۷ فیلم تئاتر و نویسندگی ۵ فیلم‌نامه سینمایی، سریال، تله‌فیلم و فیلم‌کوتاه را در کارنامه دارد. در افتخارات او بیش از پانزده رتبه برتر در جشنواره‌های داخلی و چهارده رتبه منتخب در جشنواره‌های بین‌المللی دیده می‌شود، از جمله منتخب در «فرست‌تایم فیلم میکر» انگلستان، منتخب نیمه‌نهایی در «اینديپندنت‌فیلم» فستیوال یونان و تنها فیلم ایرانی منتخب در افتتاحیه فستیوال «تورنتو مولتی‌کالچرال» کانادا در سال ۱۴۰۱. او به‌تازگی مرحله پیش‌تولید فیلم‌کوتاهی به‌نام «دِلِلّول» را به‌عنوان نویسنده و کارگردان و به‌سفارش مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس‌رضوی با بهره‌گیری از مضامین رضوی و دفاع مقدس به پایان برده است. «دِلِلّول» عنوان نوعی لالایی بومی شهرهای عرب‌زبان جنوب ایران است که در مراسم تولد و عزا خوانده می‌شود. به همین مناسبت گفت‌وگویی با این هنرمند مشهدی ترتیب دادیم که در ادامه می‌خوانید.


نمایی از فیلم کوتاه «دِلِلّول» اثر جدید سعید ولی‌زاده

شما در ابتدای کار جدی بازیگری به تهران رفتید، اما بعد از چند سال در مشهد کارتان را با فیلم‌سازی و بازیگری در کنارش ادامه دادید. چه شد که برگشتید؟

فعالیت بازیگری روندی پیچیده دارد؛ با اینکه از دور ممکن است خیلی ساده به نظر برسد. آثارم خیلی جایزه بگیر بودند. سال ۱۳۸۲ بعد از چند جشنواره دانشجویی پیشنهاد بازی در سریال «قدرت» به من داده شد و برای آن با من قرارداد ماهانه ۲۵۰ هزار تومان بستند. این اولین حقوق بازیگری‌ام محسوب می‌شد و من به تهران رفتم. با این حال، بعدش کار به سختی و به ندرت پیش می‌آمد. طوری نبود که امورات زندگی‌ام بگذرد. برای همین جذب پشت صحنه شدم، اما بعد از مدتی از پشت صحنه بودن خسته شدم. با خودم گفتم من نیامده‌ام دستیار صحنه باشم. از یک طرف دیدم دیگر دلم نمی‌خواهد منتظر بمانم کسی به من زنگ بزند که پاشو بیا بازی کن. با همین ذهنیت شروع کردم به فیلم‌سازی با محتواهای ساده و ارزان‌تر. نتیجه نسبت به هزینه‌هایی که کرده بودم، بد نبود. اولین فیلم کوتاهم را با ۴۰۰ هزار تومان ساختم که به چند جشنواره خوب راه یافت و ۷ میلیون تومان جایزه به من برگرداند. کم‌کم متوجه شدم این بخش برایم جذاب‌تر است. الان اگر هم بازی کنم، وقتی است که کسی یا دوستی از من بخواهد یا احساس کنم از نظر مالی برایم خوب است، وگرنه دیگر برایم جذاب نیست.

خیلی از هنرمندان مشهدی می‌گویند وضع فیلم‌سازی در مشهد خوب نیست و برای پیشرفت باید حتما به تهران بروند. به نظر شما که تجربه رفتن به تهران و کارکردن و بعد برگشتن به مشهد را دارید، این دیدگاه چقدر درست است؟

کاملا درست است، چون ما در مشهد بازاری برای فیلم‌سازی نداریم. در تئاتر وضعمان بهتر است. به هرحال بازاری برای آن ایجاد شده است و عرضه و تقاضایی وجود دارد؛ اما برای فیلم‌سازی چنین وضعی در مشهد نیست. اقتصاد ما فقط با ساختن فیلم داستانی نمی‌چرخد. کارهای دیگری مثل مستند، برنامه تلویزیونی و تیزر تبلیغاتی هم می‌سازیم تا خودمان را در این کار حفظ کنیم. در تهران واقعا چرخه اقتصادی وجود دارد و این شهر تقریبا بیشتر اسباب و لوازم ساخت فیلم را دارد.

یعنی اگر کسی می‌خواهد فیلم‌سازی کند، حتما باید به تهران برود؟

فیلم ساختن در مشهد خیلی کم و به ندرت پیش می‌آید. در مشهد کمتر مدیر دل‌سوزی داریم که سرش درد کند برای اینکه بخواهد فیلم کار کند و سینما برایش اهمیت داشته باشد. لفظ سینما در مشهد منحصر است به چند اکران جشنواره فجر یا دعوت از چند بازیگر که فیلم‌هایشان درحال اکران است. سینما در مشهد در حد آموزشگاه‌های بازیگری مانده است. اینکه چرخه اقتصادی آن راه بیفتد و فیلمی ساخته شود، خیلی بعید است.

شما دارید در همین وضعیت در مشهد فیلم می‌سازید.

بله، ولی خیلی به سختی و با چنگ و دندان.

با این حال توصیه شما به همکاران جوان خودتان که اول راه هستند، چیست؟

می‌گویم بروید تهران بمانید و پای خیر و شرش بایستید. پای بیکاری و گرسنگی و دربه‌دری‌اش بایستید. چون اگر قرار باشد در این کار نتیجه بگیرید، باید در تهران به دنبالش باشید.

اگر بخواهند مانند شما ماندن در مشهد را انتخاب کنند، چطور؟

حکایت فیلم‌سازی خودم و فیلم‌سازی در مشهد، حکایت دیالوگی از فیلم «کندو»ست. یک جایی شخصیت اصلی فیلم می‌گفت «من هرچه کتک می‌خورم، پرروتر می‌شوم». قضیه من هم همین است. من یک جایی که «نه» می‌شنوم، اتفاقا شاخک‌هایم تیز می‌شود که آن «نه» را «بله» کنم. یک جور چالش درونی با خودم دارم، وگرنه حتی بعد از این همه سال کارکردن هنوز هیچ تضمین شغلی وجود ندارد که بتوانم روی تخصص خودم بمانم. تهِ فیلم‌سازی در شهرستان این است که به جایی می‌رسی که می‌گویی «خب الان دیگر بس است و از لحاظ بار علمی، محتوایی و هنری چیزی به من اضافه نمی‌شود». من دست‌کم بیست کیلو لوح‌های تقدیر در بازیگری و فیلم‌سازی و رشته‌های مرتبط دارم. این بیست کیلو را به چه دلیل می‌گویم؟ یک بار همه این لوح‌ها را برده بودم که ترجمه کنم. دم در یک نفر نشسته بود و ترازویی جلویش بود که آدم‌ها را وزن می‌کرد و بابتش پول می‌گرفت. من لوح‌های توی دستم را که گذاشتم زمین تا بتوانم زنگ در را بزنم. آن فرد گفت: بیا پولش را بده! نگاه کردم دیدم لوح‌ها را گذاشته روی ترازو و وزنش هم بیست کیلو شده است! هر فیلمی که ساختم، جایزه گرفته است؛ از جشنواره‌های داخل استان تاکشوری و بین‌المللی. خدا را شکر فیلم بی‌جایزه نداشتم، ولی به جایی رسیده‌ام که فکر می‌کنم خیلی وقت است دارم درجا می‌زنم. شاید کسی که سابقه خیلی کمتری دارد اما در تهران مانده، جایگاه اجتماعی بهتری داشته باشد و خیلی راحت‌تر بتواند زندگی و کار کند.

اینکه شما همین جایگاه را در مشهد حفظ کردید، ارزشمند نیست؟ اگر نصف آن آدم‌هایی که به رفتن فکر می‌کنند، بمانند و جا را خالی نکنند، فکر نمی‌کنید فضای فیلم‌سازی مشهد بهتر و آن وضعیت مطلوب ایجاد شود؟ یعنی وقتی تقاضا بیشتر شود، به نظرتان می‌توانیم آن اوضاع را کم کم ایجاد کنیم؟

راستش نه! حتی اگر تقاضا هم در مشهد زیاد شود، لزوما عرضه را زیاد نمی‌کند. من سال‌ها پیش فکر می‌کردم خیلی از مدیران دولتی که تصمیم‌گیر هستند، اگر دوره‌شان تمام شود و بازنشسته شوند، اوضاع تغییر می‌کند. فکر می‌کردم نسل جوان‌تری از مدیران می‌آیند که جنگجوترند و دلشان می‌خواهد کارهای متفاوتی انجام دهند؛ ولی با اینکه خیلی از هم‌نسل‌های ما سرکار آمدند، آن چرخه معیوبی که در سازمان‌های دولتی وجود دارد، از بین نرفت و قضیه‌اش شد هرسال دریغ از پارسال. من در این سال‌ها خیلی معدود مدیرانی را دیدم که برخلاف این رویه بودند. البته مدیران خوبی هم داشته‌ایم که به نظرم اگر الان جایگاهی از فیلم‌سازی در مشهد وجود دارد، مدیون همین آدم‌هاست، کسانی مانند جواد رفاهی و مجید عسکری. من درباره شهر خودم اتفاقا خیلی متعصبم و عرق دارم. بله، ما سعی کردیم بمانیم، چون به شهرمان عرق داشتیم، اما انگار فیلم‌سازی در مشهد، یک جاده یک طرفه است. یعنی از آن طرف حمایتی از فیلم‌ساز نمی‌شود.

اثر جدیدتان با عنوان «دِلِلّول» در حوزه فیلم‌سازی رضوی تولید شده است. چه شد که به سمت تولید این فیلم رفتید؟

ساخت این فیلم خیلی اتفاقی شد. من سال‌ها با مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس کار می‌کردم. چند سال قبل یک فیلم برای آن مؤسسه ساختم، ولی آن قدر اذیت شدم که گفتم دیگر به آنجا برنمی‌گردم. بعد که مدیر عوض شد، از طریق یکی از دوستان با مدیر جدید آن، یعنی امیرمهدی حکیمی، آشنا شدم. او نه تنها نگاه من را به آن مؤسسه، بلکه به سیستم مدیریتی عوض کرد. اینکه می‌گویم تملق و چاپلوسی نیست. من این فیلم‌نامه را برای هادی حاجتمند نوشته بودم. به من گفته بود قلمت را دوست دارم. چند کلیدواژه به من داد، مانند «شهرک عرب‌ها» و براساس آن‌ها فیلم‌نامه را نوشتم. ولی حاجتمند به دلایلی نتوانست آن را بسازد و موضوع مسکوت ماند. من فیلم‌نامه‌هایم را مثل بچه‌های نداشته‌ام دوست دارم و این یکی را خیلی دوست داشتم. حس می‌کردم یک تکه از روحم را کنده‌اند و یک جایی گذاشته‌اند که به آن دسترسی ندارم. قضیه مال سه سال پیش است. به این فکر می‌کردم که اگر او نمی‌سازد، خودم بسازمش. آن موقع در یکی از شبکه‌های اجتماعی عکس خانم بازیگری به نام ابتسام بغلانی را دیدم. وقتی داشتم فیلم‌نامه را می‌نوشتم، تصویری که از شخصیت اصلی در ذهنم داشتم، شبیه آن خانم بود. با خودم گفتم اگر خواستم این فیلم را بسازم، شماره همین خانم را پیدا کنم و از او بخواهم در آن بازی کند. من در این سال‌ها فیلم در حوزه رضوی زیاد ساخته بودم. بعد از ارتباط دوباره‌ای که با آفرینش‌ها گرفتم، حکیمی به من گفت: فیلم‌نامه داری؟ گفتم: یکی دارم، ولی امام رضایش آن شکل کلاسیک و مرسوم نیست که برخی آدم‌های گرفتار می‌آیند از ایشان کمک می‌طلبند. من این شکل از فیلم‌سازی رضوی را خیلی دوست ندارم. سال‌ها تلاش کردم کمی این نگاه تغییر کند. گفتم شخصیت‌هایی دارم که یکی از آن‌ها سال‌هاست به مشهد آمده و همسایه امام رضا(ع) شده است. درخواستی از او ندارد و همین‌که همسایه امام رضا(ع) شده، برایش بس است. حکیمی این ایده را پسندید. چند جلسه‌ای گپ زدیم و چون خودش هم با فیلم‌سازی بیگانه نیست و مستندساز است، نکاتی راگفت و من طبق آن‌ها فیلم‌نامه را بازنویسی کردم. درنهایت که بازنویسی تمام شد، به من گفت: بازهم اگر فکر می‌کنی آن اولی بهتر است، همان را بساز. درحالی‌که من اصلا با اصلاحات مخالف نبودم. این حرف خیلی برایم دل‌چسب بود. ماجرای انتخاب بازیگر هم جالب بود. من وقتی در سریال «بیست‌کووید» بازی می‌کردم، یک روز خیلی اتفاقی همان خانم بازیگری را دیدم که می‌خواستم شماره‌اش را پیدا کنم. با او صحبت کردم و گفتم من فیلم‌نامه‌ای با این مشخصات دارم. دست برقضا هر چیزی که در شخصیت فیلم‌نامه بود، این خانم داشت. شخصیت فیلم‌نامه ما خرمشهری است، خانم بغلانی هم اصالت خرمشهری دارد. شخصیت ما بر اثر انفجار گوشش سنگین می‌شود و سمعک می‌گذارد، او هم همین طوری بود و آسیب اساسی از جنگ داشت. قصه را که تعریف کردم، گفت: از روی چی نوشتی؟ نگاه کردم دیدم اشک‌هایش دارد می‌ریزد. گفت: این خیلی منم! همان جا با خودم گفتم حتما او باید این نقش را بازی کند. وقتی هم که داشتم با مرکز آفرینش‌ها قرارداد می‌بستم، گفتم: اگر این خانم وقتش اقتضا کرد و توانستیم سر این کار بیاوریمش، من این قرارداد را می‌بندم و فیلم را می‌سازیم، وگرنه اجازه بدهید کار نکنیم. چون آن موقع خانم بغلانی در سریالی با آقای میرباقری کار می‌کرد. یعنی همه چیز دست به دست هم داد که ما جرا آن طور که می‌خواستیم، پیش برود.



بازسازی لوکیشن خرمشهر در مشهد سخت نبود؟ به صرفه‌تر نبود که به‌جای بازسازی، می‌رفتید جنوب؟

لوکیشن خرمشهر را در روستای سنگ‌بست مشهد بازسازی کردیم. فیلم مثل یک بچه نوزاد است که هرلحظه ممکن است نیازهای جدیدی برایش پیش بیاید. بعد این همه سال کارکردن، اگر یک وسیله‌ای خراب شود، وقتی در شهر خودمان باشد، می‌دانیم کجا برویم درستش کنیم. اسکان، حمل‌ونقل و همه این‌ها هزینه دارد و بودجه این فیلم آن قدر نبود که بخواهیم برویم خرمشهر. همان لوکیشن را هم سعی کردیم کمی نزدیک‌تر به لوکیشن‌های واقعی دربیاوریم. نخل از طبس خریدیم و با پرچین، حیاط خانه را به سبک خانه‌های خرمشهر ساختیم. قرار شد بخشی را هم در پساتولید درست کنیم، اما بازهم هزینه‌ها آن قدر زیاد شد که مجبور شدیم تعداد روزهای فیلم‌برداری را کم کنیم تا هزینه اضافی جبران شود. دوست نداشتم تعداد پلان‌ها را کم کنم، برای همین بیشتر کار کردیم و همه مایه گذاشتند.

به نظرتان به فیلم‌سازی رضوی می‌توان به عنوان یک ظرفیت بالقوه و برند فیلم‌سازی مشهد نگاه کرد؟

البته، همین طور است. وقتی تاریخ می‌خوانید، می‌بینید هم جواری با امام رضا(ع) که فلسفه ایجاد و توسعه شهر بر همین مبنا بوده، فرهنگی را در مشهد ایجاد کرده و حالا نیاز است که این فرهنگ گفته شود. البته در این باره گفتن، نیازمند به روزرسانی هم هست. باید قبول کنیم رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی سلیقه مخاطب امروز را تغییر داده‌اند؛ درحالی‌که در این بخش ما خیلی خودمان را به روزرسانی نکرده‌ایم. یعنی همچنان محتواها در همان شکل سنتی تولید می‌شوند.

پس فکر می‌کنید از این ظرفیت به اندازه‌ای که باید، استفاده نشده است؟

نه واقعا! نه تنها آستان قدس و حرم، بلکه خود مشهد هم ظرفیت خوبی برای فیلم‌سازی دارد. ما در بخش عوامل فنی اصلا چیزی از تهران کم نداریم. این را در فیلم‌هایمان ثابت کرده‌ایم. فیلم‌هایی در مشهد با بودجه کمتر با عوامل مشهدی تولید کرده‌ایم که در برابر فیلم‌های تهرانی در جشنواره‌ها جایزه گرفته‌اند و اتفاقا از آن‌ها بهتر شده‌اند. ما سعی کرده‌ایم از همین امکان کم استفاده کنیم. اگر حمایت بیشتری داشته باشیم، استاندارد فیلم‌سازی در مشهد بهتر می‌شود.

چه شرایطی باید باشد برای اینکه به قول خودتان، فیلم‌سازی مشهد جاده یک طرفه نباشد؟ آیا به ظرفیت فیلم‌سازی رضوی می‌توانیم به عنوان راه حلی نگاه کنیم که فیلم‌سازی مشهد را نگه دارد و آن را به جلو ببرد؟

منحصرا درباره فیلم‌سازی رضوی اگر صحبت می‌کنیم، شرایطش این است که هنرمندان اصلا بدانند چه شکلی باید فیلم رضوی بسازند و مدیران تصمیم‌گیر را چطور می‌توانند پیدا کنند. من خیلی از دوستان را دیده‌ام که فیلم‌نامه دارند، ولی نمی‌دانند چطور باید یک مدیر را پیدا کنند. مدیران باید در دسترس‌تر قرار بگیرند و کمی هم گاردشان را نسبت به سوژه‌ها و مضامین جدید باز بگذارند. باید بدانند که می‌شود نوآورانه‌تر نگاه کرد و امام رضا(ع) فقط گنبد و گلدسته نیست. امام رضا(ع) در زندگی مردم در جریان است.

قصد ساختن فیلم بلند ندارید؟

به شدت علاقه‌مندم که بتوانم فیلم بلند صددرصد بومی بسازم. چند فیلم‌نامه بلند و سریال هم دارم، ولی واقعا پیدا کردن سرمایه‌گذار در مشهد خیلی سخت است. فیلم بلند مناسبات خودش را دارد که بخشی از آن به دلیل اوضاع بد اقتصادی است. کارفرهنگی‌کردن دل گنده‌ای می‌خواهد و آدم‌های «بیزینسی» با عدد و رقم سروکار دارند نه با دلشان مانند ما. با وجود این، آسیب دیگری هم وجود دارد. متأسفانه کسانی هستند که در اسم، خودشان را همکار ما می‌دانند، اما در رسم، سوءاستفاده‌گرند. از بخش‌هایی که ما در آن‌ها ضعف داریم، یعنی پیدا کردن سرمایه‌گذار، سوءاستفاده می‌کنند و می‌روند آدم‌هایی را پیدا می‌کنند و با رقم‌های خیلی کمتر فیلم‌های بی‌کیفیت می‌سازند. نتیجه این می‌شود که سرمایه‌گذار می‌بیند انگار پولش را در چاه ریخته است. این افراد چشمه‌ها را کور می‌کنند. آن سرمایه‌گذار بعد که خروجی را می‌بیند، می‌گوید اصلا اینجا کسی بلد نیست فیلم بسازد. متأسفانه در این بخش هیچ نظارتی وجود ندارد.

و بعد، آن سرمایه‌گذار اگر هم بخواهد سرمایه‌گذاری کند، ترجیح می‌دهد به فیلم‌سازهای تهرانی پول بدهد. درست است؟

بله، خیلی وقت‌ها فیلم‌سازها از تهران برای پیدا کردن سرمایه‌گذار به مشهد می‌آیند. گویی اینجا حیاط خلوت سینمای تهران شده است. هرکسی می‌خواهد کار ارزان‌تری بیرون بدهد یا بودجه دولتی بگیرد، به مشهد می‌آید. فیلم را هم یک جوری به امام رضا(ع) وصل می‌کند. چند سکانس در حرم می‌گیرد و کلی پول از ادارات می‌گیرد، ولی عملا نه فیلمی برای مشهد ساخته می‌شود و نه آن فیلم در حوزه فیلم‌سازی رضوی است.









چند نما از پشت صحنه آثار سینمایی سعید ولی‌زاده

اخبار هنری مشهد

برگزاری نمایشگاه نقاشی «مصائب زندگی» در مشهد



نمایشگاه نقاشی با عنوان «مصائب زندگی» از آثار مریم دهشکی تا ۶ اردیبهشت ماه از ساعت ۸ تا ۱۸ در مجتمع فرهنگی هنری امام رضا(ع) برپاست. این هنرمند ۱۰ سال است در حوزه هنر نقاشی فعالیت و در چند آموزشگاه تدریس می‌کند. دهشکی درباره برگزاری این نمایشگاه گفت: دیده شدن معضلات اجتماعی در نقاشی‌هایم را وظیفه هنری‌ام دانستم و می‌خواهم با آثارم صدای مردم مظلوم باشم.
وی افزود: امیدوارم مردم کشورم مشکلاتی مثل سیل زدگی و کارتن‌خواب‌های شهر و زباله‌گردها و... را جدی بگیرند تا دست‌درد‌ست هم به سمت دنیایی زیباتر و خالی از فقر و اعتیاد و جنگ برویم.

پخش اثر فیلم‌ساز مشهدی در شبکه ۲



هم‌زمان با سالروز شکست حمله نظامی آمریکا به ایران (طبس)، شبکه ۲ سیما مستند «اسلحه مادری» را روانه آنتن می‌کند. به گزارش شهرآرا، مستند «اسلحه مادری» ساخته سیده زهرا موسوی از غندی روایت مادری شجاع است که هنگام رزم همسر و فرزند شهیدش با اشرار، مسلح می‌شود و از خانه و فرزندانش دفاع می‌کند. این مستند دوشنبه ۳ اردیبهشت حوالی ساعت ۱۴:۳۰ از شبکه ۲ سیما پخش می‌شود.

ایستگاه خبر

نمایشی از مشهد در تونس روی صحنه می‌رود



نمایش «جنگ و صلح» اثری از شرکت سیمرغ، برای حضور در ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر «مونودراما» که از ۸ تا ۱۳ اردیبهشت در شهر نابل برگزار می‌شود، عازم کشور تونس می‌شود. کارگردان نمایش درباره حضور نمایش «جنگ و صلح» در جشنواره «مونودراما»ی تونس، اظهار کرد: حضور در جشنواره نمایش‌های تک‌نفره ضمن جذابیت خاصی که دارد، به‌دلیل محدودیت در اجرا یکی از دشوارترین شکل‌های نمایشی است که تجربه آن برای هر کارگردان و بازیگری اتفاق نمی‌افتد و هرکسی جرئت نمی‌کند سراغ آن برود، مگر کارگردان‌ها و بازیگرانی که دوست دارند خودشان را به چالش بکشند.
محمد برومند افزود: این نمایش مضمونی ضد جنگ دارد و مروج صلح و دوستی برای همه ماست. قصه نمایش حکایت متجاوزان شرقی، شمالی، جنوبی و غربی به خاک پاک میهن است که نتیجه آن غارت و چپاول و تجاوز بوده است.
وی ادامه داد: در نمایش «جنگ و صلح» با مشارکت مخاطب، از چهره کریه جنگ‌افروزان پرده برمی‌داریم تا همه ببینند که زنان و کودکان قربانیان اصلی جنگ هستند.
کارگردان نمایش «جنگ و صلح» درباره اجرایش در تونس گفت: قرار است دو اجرا در این جشنواره داشته باشیم. یکی از اجراها به زبان انگلیسی و دیگری به زبان عربی خواهد بود.

چارسوق هنر

پایان داوری جشنواره خوش‌نویسی رضوی



دبیر بیستمین جشنواره ملی خوش‌نویسی رضوی از پایان مرحله اول داوری این جشنواره با حضور ۹ داور در تهران خبر داد. به گزارش شهرآرا، مهدی بابایی مجرد، دبیر بیستمین جشنواره ملی خوش‌نویسی رضوی، با اعلام پایان مرحله اول داوری این بخش از جشنواره، گفت: مرحله اول داوری این جشنواره با حضور ۹ داور برجسته در شهر تهران برگزار شده است. وی افزود: در این دوره، دبیرخانه جشنواره شاهد دریافت ۳۵۰ اثر فاخر بود که هریک به نوبه خود نمایانگر عمق فرهنگ و هنر این مرز و بوم هستند. از این تعداد، ۷۵ اثر در بخش نستعلیق، ۲۲ اثر در بخش نسخ، ۷ اثر در اقلام سته و ۲۰ اثر در بخش شکسته نستعلیق به مرحله بعدی راه یافته‌اند.

پوران درخشنده «عشق» را می‌سازد



پوران درخشنده در تدارک ساخت فیلم «عشق» با موضوع مهاجرت و با حضور بازیگران ایرانی و خارجی است. این کارگردان که از چند سال قبل درصدد ساخت فیلم «هیس پسرها گریه نمی‌کنند» بوده، در گفت‌وگویی با ایسنا بیان کرده است: اکنون یک فیلم‌نامه دیگر هم دارم که آن را در آمریکا نوشتم و پروانه ساختش را هم گرفته‌ام. این فیلم‌نامه با نام «عشق» درباره مهاجرت است که فعلا اولویت اصلی‌ام ساخت همین فیلم است. درخشنده این روزها درحال مذاکره با بازیگران است تا هرچه زودتر فیلمش را که با نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی خودش ساخته خواهد شد، کلید بزند. او تأکید می‌کند که «عشق» را حتما باید در خارج از کشور بسازد.